



**کارگران
سراسر
جهان
متحد
شوید**

ارگان رسمی فعالین داخل کشور سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

راه سرخ

شماره ۲۰ -- ۱۳۹۵/۸/۱

شعار هر فدائی: کار، مسکن، آزادی

راز بقاء جمهوری اسلامی

" کیومرث منصوری "

سی و پنج سال از عمر جمهوری اسلامی میگذرد و در طی این سی و پنج سال رژیم بزرگترین بحرانها را از سر گذرانده و تا به امروز همواره توانسته خود را نجات دهد. در حال حاضر بیکاری و فقر در جامعه بیداد میکند، تن فروشی به عنوان یک شغل به امری عادی بدل شده و در شبکه های مجازی عکس افراد همراه با مشخصات و قیمت و به راحتی قابل دسترسی است، پخش و فروش انواع مواد مخدر یکی از مشاغل پر درآمد است که عده ای در جامعه از آن ارتزاق میکند و قبچی در این کار نمی بینند و بخشی وسیعی از جامعه خصوصا جوانان اسیر مصرف این مطاع ویرانگرند.

بریکزیت آمریکایی

" نوشین شفاهی "

ترامپ پیروز شد و اولترا راست را بقدرت رسانید. تشدید ملیتاریسم، تشدید تبعیضات جنسی و نژادی، و مهاجر ستیزی وراسیسم از اولین پس لرزه های این زلزله انتخاباتی خواهد بود. ترامپ فاشیسم افسار گسیخته و چهره بدون بزک سرمایه داری است. سیستم وقیحی که با شارلاتان هایی همچون ترامپ میخواهد از مردم و جنبش حق طلبانه شان انتقام بگیرد. انتخابات آمریکا غیر از تاخت و تاز دو حزب اصلی سرمایه داری، صحنه به مانیفست گذاشتن مطالبات توده ای و اعتراض به بیعدالتی اجتماعی هم بود.

ادامه در صفحه ۳

ادامه در صفحه ۲

به بهانه نشست چهارم شورای همکاری نیروهای

چپ و کمونیست.

" محسن رجب زاده "

ایجاد یک تشکل تحت عنوان شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بدون شک اقدامی ارزشمند بوده و هست و نشان از ان دارد که طیف چپ انقلابی بر این باور است که بدون اتحاد و یک پارچگی در یک اتحاد عمل و یا حتی فراتر از ان منسجم شدن در یک جبهه واحد انقلابی چپ نمی تواند در تحولات اتی کشور هیچ نقشی را ایفا نماید. و در پس ان اگر همین پراکنده گی ادامه داشته باشد حرفی نیز برای مطرح نمودن در منطقه اشوب زده و به جنگ کشیده شده خاورمیانه برای زدن ندارد.

ادامه در صفحه ۴

" اطلاعیه شورای مرکزی سازمان "

تشدید اقدامات سرکوبگرانه دولت ترکیه و دستگیری رهبران

« حزب دموکراتیک خلقها »

روزنامه نگاران، فعالین جنبش های اجتماعی محکوم است!

با نگاهی به کشورهای اطراف ایران مانند عراق و پاکستان و افغانستان و ترکیه و و ناامنی و اشفتگی و بمب گذاری های متعدد و جنگهای محلی، همواره این سوال پیش میاید چرا در ایران چنین وقایعی رخ نمیدهد و ایران از امنیت برخوردار است. دستگاه تبلیغاتی رژیم همیشه کوشیده با تقدیس این نظام سر تا پا فاسد، آن را از برکات کشور امام زمانی و اقتدار و توان نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و نظامی خود قلمداد کند و چنین تبلیغ میکنند که اگر در سوریه با داعش نجنگیم مجبوریم در شهرهای ایران بجننگیم ولی این تبلیغات دروغی بیش نیست.

ادامه در صفحه ۵

در صفحه ۶

سرنگون باد جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

راز بقاء جمهوری اسلامی

" کیومرث منصوری "

جان آمده و گرسنه امام زمانشان هم به داد شان نخواهد رسید همانطور که امروز در برنامه پیک نيمروزی اخبار ساعت دو راديو گزارشی تهیه کرده بود از افزایش ضريب جینی یعنی افزایش وحشتناک فاصله طبقاتی که به گفته پاره ای از نمایندگان مجلس و چند کارشناس عواقب خطرناکی برای جمهوری اسلامی در بر خواهد داشت و موجب آشوبهای اجتماعی خواهد شد (تماما به نقل از گزارش راديو) . به قول ضرب المثل معروف دیر و زود دارد سوخت و سوز ندارد.

کیومرث منصوری 27/7/95

مرگ سپرد ، جنگی ویرانگر و خانمان برانداز را با دعای توسل و کمیل و عربده های آهنگر آنها 8 سال اداره کرد و از نعمات آن بهره ها برد ، بالاترین تضیقات و اجحافات استثمارگرانه را بر کارگران و مزد بگیران جامعه تحمیل کرده ، همه اینها با فتاوی و سخنرانی های خمینی جلاد به عنوان رهبر شیعیان جهان صورت گرفت . تحت رهبری وی و بعد از مرگ این عنصر پلید با هدایت جانشین وی خامنه ای مخبط ، تمام ارکان دولتی و غیر دولتی و نظامی و امنیتی حتی مدارس و دانشگاهها و بیمارستانها ، به زبانی دیگر کل جامعه جولان گاه روحانیون شده تا مراقبت کنند سلمه ای به بیضه اسلام وارد نشود . در طی این سالها هر از چندی مناسبتهای جدید مذهبی ابداع شده و تمام دستگاههای تبلیغاتی رژیم یکپارچه به تهییج توده ها برای شرکت در مراسمها مذهبی به کار گرفته میشوند ، دو ماه محرم و صفر ، یک ماه رمضان ، اعیاد شعبانیه ، ماه رجب و ایینهای اعتکاف ، ذی الحجه و اعیاد کذایی آن ، سالروز ازدواج علی و فاطمه ، سالروز آغاز ولایت امام زمان ، وووو ، تا زمانی که توده ها سرگرم این مراسمهای عبادی و روحانی !! هستند جنایات و دزدیها و فساد حکومت ، فاصله طبقاتی و حقوق های نجومی ، بیکاری فقر و اعتیاد ، همه به فراموشی سپرده میشود و هر سالی از پس سالی دیگر بدین طریق زمان بر وفق مراد جمهوری اسلامی گذشته به طوریکه خودشان باورشان شده که این حکومت را به کف با کفایت آقا امام زمان خواهند سپرد !!! غافل از اینکه در برابر قدرت توده ها به

در حالیکه درآمد قسمت اعظم جامعه کفاف تامین لقمه نانی برای سیر کردن شکم خانواده را نمیدهد کارگزاران دولتی که از ذخایر انقلاب هستند ! دریافت حقوقهای دهها میلیونی را حق طبیعی خود میدانند و حتی آن را کافی میدانند ، عده قلیلی دیگر که عمدتا سر در آخور باندهای مافیایی امنیتی و نظامی دارند به قیمت به خاک سیاه نشاندن کارگران و زحمتکشان و چپاول و دسترنج آنها ، با تصاحب قسمت اعظم ثروت جامعه ، اشرافی گری چندش آوری به راه انداخته اند ، با خودروهای لوکس گران قیمت در سطح شهرها جولان میدهند ، میهمانی های آنچنانی برگزار میکنند ، در خانه های چندین میلیاردی زندگی میکنند ، بستنی با پودر طلا میل میفرمایند و ایام محرم لباس سیاه به تن کرده بانی خیر میشوند و هیات عزاداری بر پا میکنند ، گاوها و گوسفندها سر میبرند و خرج میدهند تا ثواب ببرند و غرفه ای در بهشت را سند بزنند . بیچاره کارگران که هیچ کجا غرفه ای نخواهند داشت حتی جهنم چون وقت و پول گناه کردن هم ندارند.

بله راز بقاء جمهوری اسلامی همانی است که به افیون توده ها معروف شده ، " دین " . این رژیم پلید و جانی این رژیم فاسد و غارتگر فقط با کمک دین و دامن زدن به توهمات و خرافات مذهبی توده ها توانسته تا به امروز به حیات ننگین خود ادامه دهد.

کرد و ترک و ترکمن و بلوچ را وحشیانه سرکوب کرد ، در دهه شصت در شهرهای جوی خون به راه انداخت انقلابیون کمونیست و آزادیخواهان را در سیاهچالهای قرون وسطایی دسته دسته به جوخه های

جمهوری شورایی ، آغاز جامعه به ساختمان سوسیالیسم است ، در سوسیالیسم مالکیت خصوصی بورژوائی بر ابزار تولید و مبادله اجتماعی می شوند . اقتصاد از طریق تولیدکنندگان آزاد و متشکل سازمان می یابد .

با وجود اینکه مالکیت ابزار تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی در میاید . اما این امر یک شبه صورت نمی گیرد ، دوران ساختمان سوسیالیسم سرشار از تحولات و پیشرویها و عقب نشینی هاست . در جمهوری شورایی با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران و با در نظر گرفتن شرایط و مناسبات حاکم ، از سلب مالکیت کنندگان سلب مالکیت می شود و در اختیار صاحبان واقعی ، یعنی تولیدکنندگان متشکل در شوراهای و نهادهای مردمی قرار می گیرد .

بریزیت آمریکایی

"نوشین شفاهی"

با "انقلاب سیاسی" اش دموگرافیک جوان و معترض به نظم ارتجاعی موجود را با خود کند و توانست مطالبات رادیکالتری را به فضای سنتی سیاسی آمریکا وارد کند. عملاً مجبور شد که این توده های هوادار را بسمت کمپین کلینتون کانالیزه کند. سنדרز با همراهی کردن کلینتون در چند کمپین، بخش زیادی از هوادارانش را خشمگین و دلسرد از خود دور نمود. کلینتون برای این قشر بیشتر با مارگارت تاچر هویت سازی میشد تا اهداف و آرمانهای برنی سنדרز. دموکراتها با کنار گذاشتن سنדרز و هپروت پیروزی، هم بخش زیادی از این جوانان را از دست دادند و هم میلیونها کارگر سفید پوست را که در دو ترم گذشته به اوباما رای داده بودند. در عین حال سیاه پوستان زیادی که اعتمادی به کلینتون نداشتند و انتخاب اوباما هم به خشونت‌های نژادی و بیحقوقی آنان پایان نداده بود از رای دادن خودداری کردند.

مشکل دیگر دموکراتها این بود که نارضایتی و خشم توده ها را فقط در اختلافات نژادی و قومی توضیح داده و کمپینشان را بر همان محور قرار دادند در حالیکه این نارضایتی ها که نتیجه سیاستهای جنگ طلبانه، بخششهای مالیاتی به یک درصدی ها و کلا تشدید سیاستهای نئولیبرالی اوباما بوده در کمپین برنی سنדרز منعکس شد تا کلینتون.

بهر رو واقعیت در خارج از این رقابتهای احزاب سرمایه داری حتی اگر وخیم تر نشود همان نکبتی خواهد شد که بود. هم اوباما و هم کلینتون قول دادند که با ترامپ همکاری کرده و در سیاست گذاری هایش در کنار او خواهند بود. اوباما گفت: " که

میلیونها کارگر بیکار از انحطاط سیاسی-اقتصادی و بحران مالی جانشان به لب و طاقتشان به سر آمده، سیاه پوستانی که هر روزه موضوع حمله های وحشیانه پلیس قرار میگیرند و در جنبشهایی چون "جان سیاهان مهم است" مبارزه خود را سازمان داده اند، و مهاجران غیر قانونی که به بیگاری در مزارع و کارهای سیاه بکار گرفته شده اند. این توده ها طبعاً مجبور شدند بین بد و بدتر به کلینتون دلخوش کنند. و ترامپ به نمایندگی از وقیح ترین و بیشترین جناح بورژوازی توانست اعتراض بخش زیادی از کارگران سفید را بسمت اولترا راست هدایت کند.

ترامپ با ادعای اینکه به بخش فریبکار سیاستمداران حرفه ای متعلق نبوده توانست اعتماد بخش زیادی از این توده ها را بخود جلب کند. ولی آنچه که بیش از همه برجسته شد این بود که ترامپ به راسیسم، ملیتاریسم عریان و گستاخ، کلیسا و ضدیتش با حقوق زنان و همجنسگراها، سکسیسم و زینوفوبیا پلاتفرمی برای فعل و انفعال و جولان دادن اجتماعی شان ایجاد کند. به آنها جرات داد که بدون هیچ شرم و پوزشی، بنیادی ترین حقوق دموکراتیک و حیثیت و حرمت انسانی را به سخره گرفته و به دستاوردهای دموکراتیک مبارزات توده ای در آمریکا نف کنند. به معنایی دیگر به لمپنیسم، قلدری و جهل، ارزش و جلالی اجتماعی داد و جمهوریخواهان را که حتی از گستاخی و بیشرمی بی ادبانه ترامپ احساس نگرانی میکردند به یک قدرت بلامنازه نه فقط در کاخ سفید بلکه در هر دو مجلس و دیوان قضایی عالی تبدیل بکند. از طرف دیگر برنی سنדרز که توانسته بود

اول آمریکایی هستند و بعد دموکرات یا جمهوریخواه و صد البته هر دو حزب اعضاء یک تیم". موضوع را از این ساده تر نمیشود ارائه کرد. که فارغ از هر جنگ و دعوی انتخاباتی، هر دو حزب علیه میلیونها کارگر آمریکایی و صدها میلیون توده غیر آمریکایی با ملیتاریسم و جنگ آفرینی شان هم رای و هم تیم هستند.

اگرچه بیشتر مردم آمریکا به کلینتون رای داد ولی بر اساس سیستم "الکتورال کالج"، فاشیسم رای آورد و فاشیسم در آمریکا چهار نعل خواهد تاخت و تنها راه مقابله با آن کوتاه نیامدن از مطالبات بحق و انسانی طبقه کارگر و امید به آینده است. منافع طبقه کارگر در مبارزه با جنگ، نابرابری و بیعدالتی اجتماعی ایجاب میکند که تنها از طریق متحد کردن خود از هر نژاد و ملیتی در یک مبارزه مشترک علیه نظام سرمایه داری و علیه اقتدار سیاسی اش با هر حزب و شخصیتی میتواند به دستاورد برسد و سرمایه داری را شکست دهد نه اینکه به یک ابزار سیاسی در کمپین های این حزب یا آن حزب سرمایه داری تبدیل شود.

نوشین شفاهی

10 نوامبر 2016

راه سرخ را بخوانید و انرا

به دوستان و آشنایانتان

معرفی کنید .

سازمان اتحاد فدائیان

کمونیست بخشی از سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران

است که در تاریخ بهمن

۱۳۴۹ با حماسه سیاهکل

متولد شد .

به بهانه نشست چهارم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست .

رفیق کمال طی سخنانی در نشست چهارم مطرح نمود که با حضور نیروهایی که تمامیت رژیم را زیر سوال نمی برند و با کلیت مقابله نمیکنند و نیم نگاهی به سوی دیگر دارند این تشکل راه به جایی نخواهد بود! —————
رفقا چه ما خواهیم چه نخواهیم طرز تلقی های موجود در نشست نمایندگان تفکر های موجود در جامعه است من نیز با نگاه رفیق کمال موافق هستم و میدانم و باور دارم که ان طرز تلقی تا مقطعی با ما همراه خواهد بود و تا به انتها ما را همراهی نخواهد کرد اما راه و روش درست چیست؟

بیا بید از منظر پزشکی به قضیه نگاه کنیم در موقع مواجهه یک پزشک حاذق با بیماری که مشکلی حاد دارد جراحی آخرین چاره است . اما این بدان معنی نیست که راههای رشد بیماری را مسدود نکنیم باید روش های صحیح را بکار برد تا از رشد بیماری جلوگیری کرد و تکنیک درست را بکار برد که بدون جراحی بیمار را بهبودی بـیـخـشـیـم .
جریانات تشکیل دهنده نشست از همان ابتدا باید در جلو کاسب کارانه برخورد کردن بعضی از جریانات موضع درست و انقلابی میگرفتند اینکه جریانی چند سازمان دموکراتیک را وارد تشکلی کمونیستی کند خود به اندازه کافی سوال بر انگیز هست اما وقتی از ان برای پیش بردن اهداف خود بصورت اتخاذ رای و بالا بردن ارا خود استفاده کند این دیگر کاسب کارانه برخورد کردن و رفتاری بدور از پرنسیپ های کمونیستی است .؟؟!

بیا بید اینگونه فکر نکنیم و خوش باورانه بگویم رفقا قصدشان از این کار این بوده که تعداد امضا کننده گان را زیاد و در نتیجه

بورژوایی سخن میگفت عملا نشان داد که این روش غلط بوده و راه به جایی نخواهد بود . —————
رفقا نیروهایی که به سمت و سوی اتحاد و همکاری و همیاری و... قدم بر میدارند بدون شک از قبل از تشکیل چنین ارگانی سمت و سوی خود را ارزیابی نموده و این تاکتیک را در خدمت استراتژی مورد نظر خود در نظر میگیرند و به سمت چشم انداز خود از این نشست پیش میروند و در حله اول بر اثر چشم انداز خود و در نهایت نامی که بر ان نشست خواهند گمارد نیروهای مورد نظر خود را برای این اتحاد یا هرنامی که در چشم انداز خود دارند انتخاب میکنند بدون شک همه واقف هستید که اگر این تشکل را اتحاد بخوانیم نیروهایی که در ان شرکت خواهند کرد متفاوت با نیروهایی که در یک جبهه میگنجد خواهد بود . بل طبع نامی هم که به نیروهای شرکت کننده در انها تعلق دارد متقارن است . در یک تشکل مثل جبهه نیروهای غیر کمونیست هم میتواند حضور داشته باشد نیروهای دموکرات مثل تشکل زنان و تشکل های مدافع کارگران و... اما از انجایی که این نیروها دموکراتیک هستند و اعضای تشکیل دهنده انها میتوانند از هر خاستگاه طبقاتی باشند در تشکل های کمونیستی با اهداف مشخص کمونیستی نمی گنجد بلکه میتوانند به دفاع یا منتقد در کنار انها باشند نه در خـود تشـکـل .
پس چرا ما شاهد حضور تشکل های دموکراتیک در این نشست هستیم ؟

اما متاسفانه شاهد این بوده ایم که در این مدت علی رغم گذشت چند سال از تشکیل این تشکل هیچ خروجی بجز چند اعلامیه و اطلاعیه و نشست پالتاکی نداشته و ندیده ایم که انهم از روند حرکت و ارائه بحث ها نشان از ان دارد که توافقی کلی و منسجم بر روی مطالب ارائه شده نبوده و نیست!

به راستی چه چیز مانع رشد و تعالی چنین اتحادهایی تا کنون بوده است ایا ما تحلیلی درست و منطقی از اتحادهای پیش از این و علل ناکام ماندن انها داشته ایم و اگر داشته ایم ایا این تجارب را بکار بسته واز ان ناکامیها درس گرفته ایم ؟
چپ تا کنون برای ایجاد چنین اتحادهایی خیز برداشته ولی تاکنون نتوانسته است به مراد خود برسد عیب در کجاست؟
ما در اتحاد های پیشین که با شکست مواجه گردیدند چه دیدیم ان نشست ها را چگونه ارزیابی کردیم بدون شک میدانیم که ان نشست ها دست آوردهایی بهمراه داشته است که نباید نادیده بگیریم حتی دست آوردهای منفی ان باید نگریسته شود تحلیل شود و از انها تجربه فرا گرفته شود که متاسفانه ظواهر امر نشان میدهد که چنین نبوده است .

در اتحادهای پیشین ما شاهد ان بودیم که از همه نیروهای مدعی چپ حتی نیروهای منفرد دعوت به عمل آمد که در ان نشست ها شرکت کنند و برای انها بصورت منفرد رای برابری با سازمان های متشکل شرکت کننده در اتحاد در نظر گرفته شد و... این دیدگاه که ناشی از تحت تاثیر قرار گرفتن شرکت کننده ها به دموکراسی های

ادامه در صفحه بعد

عوامفریبی یا ایجاد امنیت

واقعیت این است که سران جمهوری اسلامی از بدو شکل گیری به توسعه طلبی و صدور انقلاب می اندیشیدند و حال به راه نجاتی برای کنترل و سرکوب بحرانهای داخلی به آن مینگرند.

وقتی از اولین روزهای به قدرت رسیدن، خمینی از نظامیان عراقی میخواست ارتش صدام را ترک کنند و به مانند ارتش ایران به دامن اسلام برگردند و صدام را سرنگون کنند و تکبیر گویان و اشهد خوانان می خواستند از راه کربلا به قدس شریف بروند، داعشی وجود نداشت. هنگامی که در بهار ۵۸ چند صد نفر از سپاهیان به لبنان اعزام و با راه اندازی حزب الله و به قول حسن نصرالله رهبر حزب الله تامین این جریان از ابتدایی ترین نیازها تا پیچیده ترین سلاحها طی زمانی بیش از سی سال، یکی از بازی گران اصلی لبنان شدند داعش کجا بود؟ وقتی با ارسال گسترده سلاح و تجهیزات و پول برای بخشی از به اصطلاح مجاهدین افغان و سالها پذیرایی از جانیانی چون گلبدین حکمتیار در ایران، برای خود حق اعمال نظر در تحولات افغانستان قائل شدند، داعش کجا بود؟ با میلیونها دلار از دارایی های مردم، حزب الدعوه و سپاه بدر را از عناصر عراقی در ایران تشکیل داد و سالها از آنها پذیرایی کردند و بعد از سقوط صدام توسط همین مزدوران و دست نشانده خود، نوری المالکی، و با تشکیل حشد الشعبی توسط سپاه قدس، عراق را به یکی از تیول جمهوری اسلامی بدل کردند. با افزایش اعتراضات مردمی خصوصا سنی ها نسبت به اقدامات سرکوبگرانه دولت مالکی حشد الشعبی به عنوان بازوی مردمی سرکوبگر دولت پا گرفت در حالیکه هنوز داعشی مطرح نبود. مزدوران سپاه پاسداران از آغازین روزهای شروع اعتراضات توده ها بر علیه رژیم اسد در کنار پلیس و نظامیان برای سرکوب مردم سوریه وارد عمل شدند (دو سال قبل از پیدایش داعش)، پول و سلاحهای ارسالی از ایران بوده که تا کنون رژیم اسد را سرپا نگاه داشته و دفاع از حریم حرم صرفا توجیه ای بر جنایات جمهوری اسلامی در سوریه است. این واقعیت انکار ناپذیر است که ایجاد آشوب و تنش در کشورهای منطقه، استراتژی جمهوری اسلامی در ایجاد امنیت و آرامش گورستانی در ایران است.

کیومرث منصور/ 95/7 /26

به بهانه نشست چهارم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست.

نمایش قدرت بدهند که اگر هم چنین باشد این تفکری کودکانه بیش نیست زیرا همه میدانند که این تشکل های دموکراتیک از چند نفر به تعداد انگشتان یک دست نهایتا تشکیل شده و برای داخل این نه تنها امید بخش نیست بلکه میدانند به چرخه ای مانند اتحاد های قبلی دچار خواهد شد تازه اگر موضوع رای و نقش این تشکلات را در اخذ رای ندانند. و جای تعجب است که تشکلی که شعار ارا توده ها را میدهد و از دموکراسی انهم بشیوه دموکراسی بورژوازی کاملا دفاع میکند بیشترین نفرات را از طریق اینگونه تشکلات وارد نشست کرده که حقوق دیگر سازمانها که پرنسیپ ها را رعایت کرده اند را پایمال نماید!!!؟

رفقا این کمیت نیست که میتواند راه گشا و اثر گذار باشد رشد دروغین و بادکنکی هیچگاه به جنبش چپ کمک نکرده و نخواهد کرد بلکه چگونگی تفکرات و طرز تلقی ما و مهم تر از همه عملکرد ماست که می تواند هم راه گشا باشد و هم بارغه ای از امید را در داخل بین نیروها و جنبش کارگری دامن بزند.

محسن رجب زاده 5/11/2016

کارگران و زحمتکشان رفقا و مبارزین
راه آزادی و برابری
با مشارکت و ارسال نظرات، انتقادات
و پیش نهادها و گزارشات خود ما را در
بهینه کردن
نشریه یاری رسانید.

@fedayi1349
آخرین اخبار و گزارشات،
مقالات، اطلاعاتی ها و
نشریات سازمان اتحاد
فداییان کمونیست را از
کانال فدائی در تلگرام
دریافت کنید.

تنها راه رهایی ره سرخ فدائی!

تشدید اقدامات سرکوبگرانه دولت ترکیه و دستگیری رهبران «حزب دموکراتیک خلقها»

روزنامه نگاران ، فعالین جنبش های اجتماعی محکوم است!

دولت ترکیه در پی تلاشهای سرکوبگرانه و بی وقفه خود برای به زانو درآورد جنبش های اجتماعی ترقی خواهانه و دموکراتیک سراسر ترکیه و بویژه حملات نظامی گسترده در مناطق کردستان که تاکنون به برجای گذاشتن صدها قربانی، هزاران زخمی و به ویرانی مناطق مسکونی و زیرساختهای این منطقه انجامیده است. بامداد روز ۴ نوامبر، با یورش به دفاتر و منازل اعضای گروه پارلمانی «حزب دموکراتیک خلق ها» در شهرهای مختلف ترکیه و شمال کردستان ۱۳ تن از نماینده های عضو این حزب را بازداشت کردند. صلاح الدین دمیرتاش و فیگن یوکسداغ، از رهبران این حزب از جمله بازداشتی ها هستند.

اقدام اخیر دولت ترکیه از حلقه های زنجیره اقدامات سرکوبگرانه ای است که بدنبال شکست پی در پی سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی حزب حاکم «آک پارتی» در ترکیه به اجرا گذاشته شده است. دستگیری ده ها روزنامه نگار و فعال مدنی و سیاسی ، فعالان جنبش کارگری، هنرمندان و نویسندگانی که احتمال مخالفت با حزب حاکم را داشتند، موجی از انزجار عمومی را در سرتاسر ترکیه و جهان برانگیخته است. سران دولت ترکیه تلاش زیادی بخرج دادند تا با حمایت از داعش و گروه های مرتجع دیگر و با اقدامات متعدد نظامی اراده نیروهای چپ و دموکراتیک کرد در مبارزه علیه داعش و سازماندهی خودمدریتی توده های زحمتکش را متوقف و یا آن را از مسیر خود منحرف کنند. دولت ترکیه با اقدامات ضد مردمی خود هرچند

توانست لطمات زیادی به این جنبش ترقی خواهانه بزند معهذا تا کنون از رسیدن به اهداف خود بازمانده است. اردوغان بمنظور تحکیم پایه های قدرت استبدادی خود تغییرات مورد نظرش در قانون اساسی و سرکوب مبارزات خلق کرد و جلوگیری از رشد و گسترش دامنه سیستم خودحکومتی رژاوا در کردستان سوریه، به تشدید سرکوبگری و تقویت جریانات ارتجاعی مذهبی و ناسیونالیستی روی آورده است. اردوغان با همکاری و هماهنگی نیروها و دول مرتجع منطقه، می خواهد تجربه رژاوا را که هنوز در مراحل ابتدائی خود است، در نطفه خفه کند. جنبش های انقلابی، کارگری و سوسیالیستی ترکیه را سرکوب و توده های زحمتکش را به خانه هایشان برگرداند. اما جنبش های اجتماعی در ترکیه و جنبش خلق کرد که مورد پشتیبانی افکار عمومی مترقی ترکیه و جهان قرار گرفته است، ریشه دارتر از آن است که با اعمال سیاست های سرکوبگرانه دولت ترکیه متوقف شده و از نفس بیافتد. و از طرفی بحران گریبانگیر ترکیه نیز با موج کشتار و دستگیری مخالفین سیاسی ، روزنامه نگاران و فعالین چپ جنبش های اجتماعی در این کشور و حمله نظامی و بمباران و توپ باران مناطق کردستان، به راه حلی نخواهد رسید.

ماضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه دولت ترکیه، از جمله دستگیری صلاح الدین دمیرتاش و فیگن یوکسداغ و دیگر فعالین دموکراتیک و چپ ترکیه همه احزاب و سازمانهای انقلابی و انسانهای آزادیخواه

را به شرکت در اعتراضات سراسری علیه سرکوبگریهای دولت ترکیه دعوت میکنیم. وظیفه انترناسیونالیستی ما حکم میکند که همچون گذشته در همبستگی با مبارزات توده های کارگر و زحمتکش ترکیه و مبارزات توده های تحت ستم و استثمار کرد، از هیچ کمک و یاری دریغ نکنیم. رفقای ما که تا کنون در حد توانائی خود به جنبش انقلابی کردستان و مبارزه در رژاوا یاری رسانده اند، اکنون نیز و در این روزهای سخت آنها را تنها نخواهند گذاشت. پیروز باد مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم و استثمار ترکیه علیه دولت اسلامی و سرکوبگر اردوغان زنده باد همبستگی کارگران و زحمتکشان، بر علیه نظام ستم و استثمار و زور و سرکوب سرمایه داری

زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
17 آبان 1395

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست یا ارگانهای آن با یکی از آدرس های ذیل تماس بگیرید.
روابط عمومی سازمان
webmaster@fedayi.org
کمیته آذربایجان
azer@fedayi.org
کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
کمیته کرج
karaj@fedayi.org
کمیته کردستان
kurdistan@fedayi.org